

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: گیوم بنت
فرستنده: عثمان حیدری
۲۴ سپتمبر ۲۰۱۹

آشوب در هانگ کانگ: به راستی اصل موضوع چیست؟



کسانی که خوبی «منطقه ویژه اداری هانگ کانگ چین» را می‌خواهند پس از مشاهده نارضایتی گسترده تابستان امسال به چند نتیجه‌گیری می‌رسند.

این کار به طور سطحی با برخی تأملات پیرامون مطالبات آشکار معترضان آغاز می‌شود. «سطحی» به این دلیل که ادعای کسانی که در خیابان‌های هانگ کانگ رژه می‌روند و آن‌ها را به آتش می‌کشند ممکن است علل نهان بحران را کاملاً روشن نکند.

فاکت‌های قانون استرداد

فروکافت (کاتالیزور) اعتراضات یک لایحه پیشنهادی بود که به هانگ کانگ اجازه می‌داد افراد مظنون به بزهکاری را به قلمروهای قضائی که با آن‌ها پیمان استرداد ندارد، بفرستد به نظر نمی‌رسد که تمایل بیجینگ برای انداختن منتقدان

سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی به سیاهچال‌های سرزمین اصلی محرک آن بوده باشد، بلکه برای آن دلیل خوبی وجود داشت، محرک آن مردی بود که دوست دختر خود را کشت و جسدش را در یک پارک در تایوان رها کرد و به جانی گریخت، که نمی‌تواند از آن بازگردانده شود، نمی‌شود او را برای محاکمه اخراج کرد. هانگ کانگ با تاپیه پیمان استرداد ندارد.

هانگ کانگی‌های ناراحت از سیاست‌ها و عرف قضائی جمهوری خلق فوراً پیام‌های لایحه را دیدند. «منطقه ویژه اداری» دیگر نمی‌توانست پناهگاه افرادی باشد که در سرزمین اصلی [چین] تحت تعقیب هستند. اما پرسش حادی که منتقدان قانون باید به آن پاسخ دهند این است: آیا منطقی است که شخصی در گوانگژو کلاهبرداری کند، در هاربین رشوه بگیرد یا در شنژن مرتکب تجاوز شود و سپس از دادگاه‌های آن شهرها فرار کند و به هانگ کانگ که مانند شهرهای نامبرده بخشی از همان کشور است، برگردد؟

در ماه جون، پس از اعتراضات گسترده، کری لم رئیس اجرائی «لایحه» را مرده اعلام کرد و بسیار پوزش خواست. هنوز روشن نیست او برای چه پوزش خواست، اما عقب‌نشینی لم فوراً روشن کرد که او به احساسات اهالی حساس است و به آن احترام می‌گذارد.

اما بوی خون مشام مخالفان دولت را پر کرده بود. اگر می‌توانیم نبرد را جلوتر ببریم چرا آرام بگیریم؟ مرگ لایحه کافی نبود؛ تضمین لازم است که هرگز به شکل اصلاح شده باز نگردد. به سخن دیگر، کمتر از یک دیوار قضائی بتونی بین «منطقه ویژه اداری» و باقی چین پذیرفته نیست. در واقع، یک کشور دو نظام!

در ۴ سپتامبر، لم اعلام کرد که لایحه به طور قطع پس گرفته شده است. بسیاری از هانگ کانگی‌ها می‌گویند نمی‌توان به دادگاه‌های جمهوری خلق چین برای رسیدن به تصمیمات عادلانه اعتماد کرد. همزمان با صحبت آن‌ها یک مرد سیاهپوست امریکائی به نام آلوین کنارد پس از ۳۵ سال حبس به جرم سرقت ۵۰ دالر از یک نانوائی از زندان آلاباما آزاد شد. با این وجود هنوز از قیام همگانی در شهر گزارشی نرسیده است، و همچنین هیچکس با پیمان استرداد ۱۹۹۷ هانگ کانگ با ایالات متحده، نه در آن زمان و نه اکنون، جریحه‌دار نشد. هیچکس محتمل نیست.

معترضان آشکارا یک نوع خاص از بی‌عدالتی قضائی را در نظر دارند؛ مظلوم‌نمایی آن‌ها مشخصاً متوجه بیجینگ است.

خشونت، یا خویشنداری چشمگیر پولیس؟

تظاهرکنندگان یک تحقیق مستقل درباره اقدامات پولیس هانگ کانگ می‌خواهند، آن‌ها را به استفاده بیش از حد از قهر متهم می‌کنند. لم در ۴ سپتامبر اعلام کرد: «دولت کاملاً از کار یک «شورای مستقل شکایات از پولیس» حمایت خواهد کرد... من ضمانت می‌دهم که دولت توصیه‌های گزارش «شورای مستقل شکایات از پولیس» را جدأ پیگیری خواهد کرد.»

مطمناً، نشریات چپ باید در دفاع از قهر پولیس در برخورد با تظاهرکنندگان محتاط باشند، مگر آن‌که آن برخورد مطلقاً به جا باشد. هانگ کانگ گاز اشک‌آور و گلوله‌های لاستیکی دیده است. اما اگر صادقانه و نسبی بگوئیم، آیا هیچ عبارت دیگری غیر از «خویشنداری چشمگیر» می‌تواند واکنش اداره پولیس هانگ کانگ به کوکتل مولوتف، آتش‌افروزی، امتناع از احترام به نیاز مردم برای رفت و آمد در شهر، و تلاش‌های آشکار معترضان برای تخریب زیرساخت‌های عمومی را توصیف کند؟

تصور کنید یک جمعیت خشمگین سنای ایالات متحده را تصرف کند و دیوارها و نمادهای آنرا مخدوش و معیوب نماید؛ چه کسی تردید دارد که گلوله‌هائی سخت‌تر از پلاستیک به سوی جمعیت شلیک خواهد شد؟

برای مقایسهٔ بیش‌تر، به پاسخ فرانسه به جنبش «واسکت های زرد» فکر کنید. فقط دو ماه پس از آن‌که تظاهرات آغاز شد، حدود ۱۰۰ مورد مصدومیت جدی- از جمله ۱۵ مورد از دست دادن چشم- گزارش شده است. نشریهٔ لیبراسیون ۷۷ مورد مصدومیت جدی سر را برشمرده است. یک از شرکت‌کنندگان در «مارش معلولان» در ۲ جون در پاریس مردی بود که دست او به وسیلهٔ خمپارهٔ پرتاب شده از جانب پولیس قطع شده است.

در عین‌حال، تا اوایل سپتمبر چشم یک زن هانگ کانگی مجروح شده بود که طبق اعلان بیمارستان به نظر نمی‌رسید موجب نابینائی بشود. در ۴ سپتمبر صحنه‌هائی از یک مرد جوان که احتمال می‌رفت از ناحیهٔ ستون فقرات مجروح شده باشد در تلویزیون ظاهر شد. البته، افراد بسیاری-شاید صدها- در ماه‌های درگیری‌ها آزار دیده اند. مقامات بیمارستان گزارش دادند که پس از برخوردهای بین پولیس و معترضان در ۱۱ اگست، ۴۵ نفر به بیمارستان مراجعه کردند که وضعیت دو نفر آن‌ها جدی بود.

تفاوت بین مصدومیت تظاهرکنندگان در مهد حقوق بشر و «منطقهٔ اداری ویژهٔ چین» کم‌اهمیت نیست تظاهرکنندگان نمی‌خواهند واژه‌های «شورش» یا «شورشیان» دربارهٔ اعمال یا شخص آن‌ها به کار گرفته شود و معتقدند دستگیرشدگان باید آزاد شوند. بسیاری از جوانانی که سنگربندی کردند و ایستگاه‌های ترابری را آتش زدند، و مورد خوش‌آمد رسانه‌های غربی و سیاستمداران خارجی قرار گرفتند، به نظر می‌رسد به این فاکت بی‌توجه اند که خشونت هزینه دارد. آن‌ها وقتی می‌بینند خشونت هزینه دارد، دلخور می‌شوند.

حق رأی همگانی - پرداختن به اصل مطلب

معترضان «حق رأی همگانی» می‌خواهند. اما، آن‌ها البته نمی‌توانند خواهان بازگشت به روزهای پیش از ۱۹۹۷ بشوند- بریتانیا تا آخرین روزهای قیومیت خود هرگز هیچ نوع دموکراسی به مستعمرهٔ خود اعطاء نکرد. در واقع، در زمینهٔ رأی دادن، شهروندان «منطقهٔ ویژهٔ اداری» از آغاز «یک کشور- دو نظام»، بسیار بیش‌تر از پیش مشغول رأی دادن بوده اند.

اما هانگ کانگ مانند دیگر نظام‌های انتخاباتی یک دموکراسی مدیریت شده است. از ۷۰ کرسی در «شورای قانونگذاری» ۳۵ کرسی مستقیماً به وسیلهٔ رأی‌دهندگان در حوزه‌های جغرافیائی انتخاب می‌شوند. از ۳۵ کرسی دیگر ۳۰ کرسی «حوزه‌های کاروری» هستند که بخش‌ها و تخصص‌های گوناگون را نمایندگی می‌کنند. پنج کرسی دیگر به وسیلهٔ شهروندانی که هیچ حوزهٔ کاروری آن‌ها را نمایندگی نمی‌کند، انتخاب می‌شوند- اما تنها نامزدها برای این کرسی‌ها خود عضو شوراهای منطقه‌ای هستند.

به دیگر سخن، هانگ کانگی‌ها نوعی نظام یک-نفر، دو-رأی دارند. خلاف ایرادات بسیاری از لیبرال‌ها، ماهیتاً هیچ چیز غیردموکراتیک در یک مجلس قانونگذاری که نمایندگان بخش‌های مولد گوناگون را دربر می‌گیرد، وجود ندارد. اما چه کسی آن‌ها را انتخاب می‌کند و توازن عددی چیست؟ بررسی ۳۰ «نمایندهٔ کارور» شورای قانونگذاری نشان می‌دهد که حق با منتقدانی است که می‌گویند نظام به تقویت منافع بنگاه‌ها گرایش دارد. در حالی‌که کارگران متشکل سه کرسی دارند، بخش مالی یک کرسی، خدمات مالی یک کرسی دیگر، بیمه یک کرسی، واردات و صادرات یک کرسی، مستغلات و ساختمان یک کرسی، تجارت یک کرسی، نساجی و پوشاک یک کرسی، تکنولوژی اطلاعاتی یک کرسی

دارد. وکلای دادگستری یک کرسی، حسابداری یک کرسی، مهندسی یک کرسی، گردشگری یک کرسی دارد و غیره. خواننده تصویر را می‌بیند.

به همان اندازه مهم این فاکت است که رئیس اجرایی، که در حال حاضر خانم لم است، به وسیله کمیته‌ای که ۱۱۹۴ رأی‌دهنده- شامل قانون‌گذاران و چهره‌های متنفذ جامعه مدنی- دارد انتخاب می‌شود. این هانگ کانگی‌های بسیاری را، که می‌خواهند رئیس اجرایی به جای تأیید صلاحیت به وسیله بیجینگ مستقیماً انتخاب شود، اذیت می‌کند. بیجینگ در جای خود، تمایل خویش را به اجرای وعده قانون اساسی برای انتخاب مستقیم رئیس اجرایی نشان داده است، اما می‌خواهد کنترل این را که چه نام‌هایی در لیست قرار خواهند گرفت، حفظ کند.

ریشه در نابرابری‌ها است

بنابراین، آیا خصومت انتزاعی نسبت به جمهوری خلق چین و عشق به لیبرال دموکراسی ناب قادر است میلیون‌ها نفر را طی یک دوره چند ماهه به خیابان‌ها بیاورد؟ مطمئناً خیر. سال‌هاست که رسانه‌ها پیرامون موفقیت‌های هانگ کانگ سر و صدا به راه انداخته اند؛ علی‌رغم این، هانگ کانگ جایی است که شمار کثیری پشت سر مانده اند. مسکن در شهر، اکنون احتمالاً گران‌ترین در جهان است. اندرو شنگ و ژیانو گنگ گزارش می‌دهند که فضای مسکونی سرانه در هانگ کانگ اکنون ۱۶ متر مربع است، این در شانگهای ۳۶ متر مربع است. من متخصصان جوانی را می‌شناسم که درآمدهای خوبی دارند اما نمی‌توانند از فضای مسکونی شلوغی که با دوستان و سوسک‌ها دارند، فرار کنند. و بعد فقیرترین‌ها هستند، که نه در آپارتمان‌ها، بلکه در جعبه‌های واقعی زندگی می‌کنند.

جیک لرنز در آخرین شماره «ساخت چین» می‌نویسد که در سال ۲۰۱۷ پنج «تایکون» [سرمایه‌دار بزرگ] فقط حدود ۳ میلیارد دلار سود سرمایه معاف از مالیات به جیب زدند. در عین حال، میانگین درآمد فارغ‌التحصیلان جدید در همان سال ۱۰ درصد کمتر از سال ۱۹۹۲ بود. سال‌هاست که دستمزدها برای اکثریت راکد مانده اند. شنگ و ژیانو می‌نویسند: «معترضان هانگ کانگ معتقدند صدای آن‌ها شنیده نمی‌شود. اما این خود نخبگان شهر هستند، نه دولت چین، که درباره آن‌ها کوتاهی کرده اند.» اما این ارزیابی این فاکت را نادیده می‌گیرد که ستراتیژی بیجینگ در «منطقه ویژه اداری» دقیقاً چیزی است که آن نخبگان را پرورش داده، روابط جمهوری خلق چین با منطقه را دقیقاً از طریق حمایت از این «تایکون»‌ها بدون مداخله در برنامه آن‌ها مستحکم نموده است. مارتین ژاک، سکته سابق هانگ کانگ، سردبیر «مارکسیسم امروز» و ناظر برجسته مسایل چین در جنوری سال پیش گفت اشتباه حزب این بوده است که «بر دو نظام بسیار، و بر یک کشور ناکافی، تکیه می‌کند.»

شمار کثیری از هانگ کانگی‌ها کمونیست‌های چینی را با بارون‌هایی که زمین را احتکار کردند و برای بالا بردن ارزش مستغلات و اجاره‌ها آن‌را از بازار بیرون نگه داشتند، هم‌دست می‌دانند. توجه پُر وسواس بیجینگ به جزئیات توافق تحویل هنگ گنگ، احترام موشکافانه آن به «تفاوت» هانگ کانگ، در آستانه هفتادمین سالگرد جمهوری خلق، عقب آن‌را گاز گرفته است.

چیزی که لازم است کمی کمونیسم بیش‌تر است- که به آزادی‌ها و نظام قضائی «منطقه ویژه اداری» احترام بگذارد. در حالی که راست‌گرایان و لیبرال‌هایی که حسرت گذشته استعماری هانگ کانگ را می‌خورند، یا مغالطه معاصر با

واشنگتن را تخیل می‌زنند، راضی نخواهند بود، چین می‌تواند با دوست اکثریت بودن دوستی توده‌های شهر را دوباره به دست آورد. اگر خانم لم نتواند این چرخش به چپ را هماهنگ نماید، کس دیگری آنرا انجام خواهد داد.

<http://peoplesvoice.ca/2019/09/14/hong-kong-chaos-whats-it-really-all-about/>

منبع: صدای مردم، نشریه حزب کمونیست کانادا
تارنگاشت عدالت